

Contemporary political Studies, Institute for Humanities and Cultural Studies (IHCS)
Quarterly Journal, Vol. 11, No. 4, Winter 2021, 1-22
Doi: 10.30465/cps.2021.35613.2754

The Corona Crisis and the Critique of the Political Philosophy of Neoliberalism

Hadi Ebrahimikiapei*

Hamid Parsania**

Abstract

Corona disease and its spread around the world has led to the formation of extensive changes in various fields such as ethics, politics, economics, ideology, education and culture. This change has caused many thinkers, philosophers. And world politicians should focus on drawing a picture of the post-Corona world. The vast majority of these experts believe that a new world order is emerging. Therefore, according to their expertise and position, everyone tried to draw the components of this order. The depiction of the world order, which, according to many analysts, is coming, first of all requires a critique of the existing order, which in the form of a neoliberal philosophical order has not been able to adequately respond to this crisis. Therefore, in the framework of the critique of the neoliberal political-philosophical system, this study tries to answer the question of how the corona epidemic was able to reveal the weaknesses of this system. The "event" has posed a moral challenge and inefficiency to the philosophical and political indicators of the neoliberal system.

Keyword: Corona, Event, Neoliberalism, Social Darwinism, Liberal values, Racial discrimination.

* Assistant Professor and Faculty Member of the Radio and Television University (Corresponding Author), ebrahimih56@yahoo.com

** Associate Professor and Faculty Member of the Faculty of Social Sciences, University of Tehran, h.parsania@yahoo.com

Date received: 23.11.2020, Date of acceptance: 20.01.2021

Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

بحران کرونا و نقد فلسفه سیاسی نئولیبرالیسم

هادی ابراهیمی کیاپی*

حمید پارسانیا**

چکیده

بیماری کرونا و گسترش آن در سرتاسر جهان منجر به شکل‌گیری تحولات گسترده‌ای در حوزه‌های مختلف من جمله، اخلاق، سیاست، اقتصاد، ایدئولوژی، تعلیم و تربیت و فرهنگ شده است. این تحول سبب شده است که بسیاری از متفکران، فلاسفه و سیاستمداران جهان، بخش مهمی از توجه خود را به ترسیم سیمای جهان پس از کرونا معطوف نمایند. قریب به اتفاق این صاحب‌نظران بر این باور هستند که نظم جهانی جدیدی در حال شکل‌گیری است. ازینرو هرکس برحسب تخصص و موقعیت خود کوشید تا مولفه‌های این نظم را ترسیم نماید. ترسیم نظم جهانی که به تعبیر بسیاری از تحلیل‌گران در حال آمدن است، پیش از همه نیازمند نقد نظم موجود است که در قالب نظم فلسفی نئولیبرالی قادر نبوده است به این بحران پاسخی مناسب دهد. ازینرو در این پژوهش تلاش می‌شود در چارچوب نقد نظام سیاسی-فلسفی نئولیبرال، به این پرسش پاسخ داده شود که اپیدمی کرونا چگونه توانست ضعف‌های این نظام را آشکار سازد؟ فرضیه‌ی ما در این پژوهش این است که کرونا به مثابه‌ی یک رخداد، شاخص‌های فلسفی و سیاسی نظام نئولیبرالیسم را با چالش اخلاقی و ناکارآمدی مواجه نموده است.

کلیدواژه‌ها: کرونا، نئولیبرالیسم، داروین‌یسم اجتماعی، ارزش‌های لیبرال، تبعیض نژادی

* استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه صدا و سیما (نویسنده مسئول)، ebrahimih56@yahoo.com

** دانشیار و عضو هیئت علمی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، h.parsania@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۹/۰۳، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۱/۱

۱. مقدمه

جهان در یک سال اخیر با شیوع ویروس کرونا با امری نابهنگام و غیرمنتظره مواجه شد. رخدادی در قالب یک ویروس رقم خورد که در قامت تجربه زیسته انسان امروز دور از انتظار بود. ویروس کووید-۱۹ یا همان کرونا ویروس با شتاب، رشد و جهش بی سابقه اش نه تنها علم پزشکی بلکه ساحت سایر علوم را نیز به تأمل واداشته است. ویروس جدید سازه های جهان معاصر را به چالش کشیده و با تردیدهای بنیادینی روبرو ساخت. بیشتر، این تردیدها و انتقادات در متون نظری و اجتماعی دانشگاهی مجال بروز داشتند، اما به واسطه ی کرونا ویروس، ناکارآمدی ها و نارسایی های سازوکارهای حاکم بر جوامع انسانی به واسطه ی یک واقعه ی رخداد گونه خود را به وضوح بیشتری نشان داد.

بی تردید ویروس کشنده و مرموز کرونا تاکنون مهم ترین اتفاق قرن بیست و یکم است که آغاز دهه ی سوّم آن را با شوک شدید و تکان دهنده ای به بشریت همراه ساخت، به گونه ای که چشم انداز آینده را در هاله ای از ابهام و تردید قرار داد. هرچند رهائی از این ویروس به تاسی از رهائی بشر از اپیدمی های بزرگ دیگر، تقریباً محتمل به نظر می رسد، اما میراث های ماندگاری بر جای خواهد گذاشت که علی رغم فجایع و اندوه های بزرگی که در زمان گسترش و اوج رقم زدند و تراژدی هائی که آفریدند، اما در مجموع باعث شکل گیری دنیای بهتری شدند.^۱

تحت تاثیر اپیدمی کرونا می توان حوزه های مختلفی اعم از اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فلسفی را برای تاثیرگذاری ماندگار ویروس کرونا متصور شد. اما در این پژوهش دیدگاهی طرح می شود که براساس آن اپیدمی کرونا شالوده ی کنونی نظام سیاسی - فلسفی غرب که بر مبنای آموزه های نئولیبرالیسم تئوریزه شده است را هدف قرار داده است. بحرانی که به تعبیر بسیاری از تحلیل گران نظیر چامسکی (Noam Chamsky) و هاروی (David Harvey)، با فروپاشی نظم نئولیبرالی موجود، جهان را به دو دوره زمانی متفاوت تقسیم خواهد کرد. با این مضمون که به تعبیر بسیاری از اندیشمندان، بحران کنونی همه ی عرصه های زندگی اجتماعی را درنور دیده و عجتاً به طرز شگفت انگیزی، نظم موجود جهانی که بر مبنای فلسفه ی سیاسی نئولیبرالیسم در قالب جهانی شدن، جهانی سازی، دهکده ی جهانی و... دنبال می شود را دگرگون خواهد کرد.

تحت تاثیر این تحولات، این پژوهش با تکیه بر آثاری که این اپیدمی تاکنون به همراه داشته است، می کوشد بر مبنای رویکرد انتقادی و براساس روش توصیفی و تحلیلی، به

نقد فلسفه ی سیاسی نئولیبرالیسم در مواجهه با بحران کرونا پردازد. روش گردآوری اطلاعات در این پژوهش نیز کتابخانه ای (فیش برداری و مراجعه به منابع دست اول اعم از کتاب ها و مقالات فارسی و انگلیسی منتشر شده در این زمینه) می باشد. برای دست یابی به اهداف پژوهش تلاش می شود نخست با تبیین اپیدمی کرونا و مولفه های نظم نئولیبرالی، از جنبه ی اخلاقی و کارآمدی به نقد شاخص های نظم کنونی پردازیم.

۲. پیشینه پژوهش

پیشینه ی پژوهش در خصوص موضوع پژوهش به صورت مستقیم وجود ندارد، اما درباره ی نقد فلسفه ی سیاسی نئولیبرالیسم از منظرهای گوناگون، مقالات و یادداشت های گوناگونی به چاپ رسیده است. بنابراین از منظر بحران کرونا تاکنون، پژوهشی به نقد فلسفه ی سیاسی نئولیبرالیسم نپرداخته است، آنچه وجود دارد یادداشت هائی است که در قالب نوشته های گوناگون به نقد آن می پردازد و یا نوشتاری است که تا حدودی با موضوع پژوهش مرتبط است که در ادامه بدان اشاره می شود.

فوکویاما در یادداشتی در آتلانتیک تحت عنوان "دموکراسی در مقابل کرونا موفق تر است یا اقتدارگرایی؟" به بررسی نوع واکنش نظام های اقتدارگرا و دموکراتیک در چگونگی مواجهه با ویروس کرونا پرداخته است. وی معتقد است در مواجهه با بیماری های همه گیر جهانی چیزی فراتر از دوگانه دموکراسی / اقتدارگرایی اهمیت دارد، از دیدگاه وی آنچه در پایان مهم است نه نوع رژیم سیاسی، بلکه اعتماد شهروندان به رهبران و شایستگی و کارآمدی دولت ها است.

هنری کیسینجر وزیر امور خارجه اسبق آمریکا و مشاور امنیت ملی این کشور در دولت های نیکسون و فورد در مقاله ای در وال استریت ژورنال تحت عنوان "جهان دیگر هرگز مشابه جهان ماقبل ویروس کرونا نخواهد بود" با اشاره به شیوع جهانی ویروس کرونا و پیامدهای اقتصادی و سیاسی ناشی از آن نوشت: این بیماری همه گیر برای همیشه نظم جهانی را تغییر می دهد. اندیشمندان دیگری نظیر اونیل، والت، برنز، هاس نیز بر این نکته تاکید کردند که جهان پس از پاندمی کرونا برای همیشه تغییر خواهد کرد. هابرماس نیز در روزنامه ی لوموند، با تحلیل نتایج و آثار اخلاقی و سیاسی کرونا از ضرورت پایان نئولیبرالیسم سخن گفت. این بخش از نوشتار، ایده ی کنونی پژوهش فوق را تقویت می

نماید تا با آشکارسازی ضعف و ناکارآمدی نئولیبرالیسم در مواجهه با بحران کرونا، از ضرورت عبور از نظم کنونی بتواند سخن گوید.

در بین نوشتاری که در ایران درباره ی کرونا در حوزه ی مربوط به مسائل سیاسی و اجتماعی به چاپ رسید می توان به مقاله ی ارزشمند دکتر محسن خلیلی درباره ی "برساختن گمیشافت مجازی در روزگار کرونا" و مجموعه مقالاتی که در پژوهشنامه سیاسی به چاپ رسیده است، نیز اشاره نمود.

۳. چهارچوب نظری

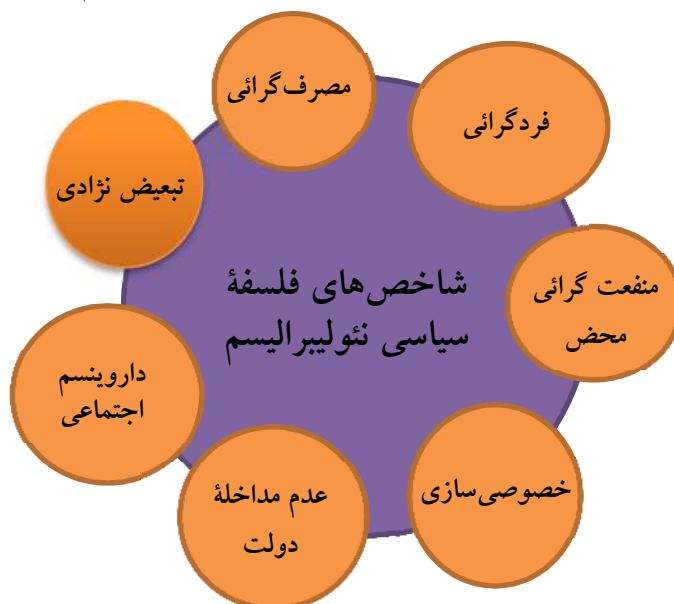
نئولیبرالیسم، شاخه ای اصلاح شده از لیبرالیسم سیاسی می باشد که از افکار اقتصادی فریدریش هایک (Friedrich August von Hayek) و میلتون فریدمن (Milton Friedman) نشأت می گیرد و در دهه ی ۱۹۸۰ با اصلاحات سیاسی و اقتصادی مارگارت تاچر در انگلستان و رونالد ریگان در آمریکا مطرح شد. آنها در پی ایجاد بازارهای اقتصادی آزاد، کاهش نقش دولت در ایجاد خدمات عمومی و اجتماعی، گسترش رقابت آزاد برای نیل به منافع، خصوصی سازی و ترویج داروینیسیم اجتماعی^۲ هستند. (Giroux, 2004) از دیدگاه نئولیبرال ها، دولت هرگز نباید آزادی افراد را محدود نماید. از نظر آنها دولت هیچگاه نباید به کنترل جامعه بپردازد و به افراد دستور دهد که چگونه از سرمایه خود استفاده نمایند و یا اینکه در بازار دخالت نماید. (Hall, 2012, 9)

در جهان نئولیبرال، شرکت های اقتصادی و چند ملیتی، بدون هیچ گونه مانع سیاسی و اقتصادی اما تحت چتر حمایتی ارتش آمریکا به رقابت با یکدیگر می پردازند. (Harvey, 2005) موضوعی که به نظامی گری و افزایش خشونت در دولت های نئولیبرال دامن زده است. نئولیبرال ها ارزش های بازار آزاد اقتصادی و کسب سود اقتصادی را ماهیت دموکراسی تعریف می کنند و از این طریق پایه های دموکراسی اجتماعی را مورد حمله قرار می دهند. آنها هرگونه عاملیت اجتماعی و مقاومت در برابر نظام سرمایه داری را رد می نمایند و در عوض به ترویج ارزش های اقتصادی همچون هزینه - فایده (Cost - Benefit)، رقابت نامحدود و حاکمیت شرکت های اقتصادی در جامعه می پردازند. به همین دلیل در یک نظام نئولیبرال، تصمیم سیاسی و اجتماعی را شرکت های اقتصادی می گیرند و نه دولت و شهروندان جامعه. (Giroux, 2008)

در جهان نئولیبرال، مقصود از آزادی، آزادی اقتصادی است، به همین دلیل آنان فرهنگ مصرف‌گرایی و نیز خودِ مصرف‌گرایی را به اسم فردگرایی رواج می‌دهند. مصرف‌گرایی در دیدگاه نئولیبرال‌ها با آزادی‌های فردی یکسان‌انگاشته می‌شود و ازین‌روی ممکن است برای بسیاری اغواء‌کننده باشد. نظام‌های نئولیبرال، مصرف‌گرایی را به عنوان یک فرهنگ دموکراتیک و آزاد تبلیغ می‌کنند و نسبت به مسائلی نظیر فقر، گرسنگی و بیکاری، بی تفاوت هستند (Hooks, 2000). به گونه‌ای که بی تفاوتی نسبت به حمایت از اقضار ضعیف جامعه و بیمه سلامت عمومی، به وجه قالب نظام‌های نئولیبرال در سال‌های اخیر بدل شده است.

فردگرایی افراطی، تاکید بر رقابت به سبک داروینیسیم، اعتقاد به طبیعی بودن قوانین اقتصاد و لزوم عدم مداخله‌ی دولت برای اصلاح شرایط موجود اقتصادی و اجتماعی، از پایه‌های مهم فرهنگ نئولیبرال می‌باشد. تسلط اقتصاد و ارزش‌های اقتصادی بر فرهنگ باعث می‌شود، روح و معنویت تولیدات فرهنگی از بین برود و هرچیز در سایه‌ی سود و منفعت مادی و اقتصادی معنا یابد و ارزش‌هایی مانند نوع دوستی، همدلی و سایر ارزش‌های والای انسانی، فدای رقابت و خودخواهی گردند. (محمدی، ۱۳۹۳، ۳۱) به عبارتی بهتر، همه‌ی تولیدات فرهنگی به سطح کالائی برای فروش کاهش می‌یابند و ارزش معنوی خود را از دست می‌دهند.

جدول شماره ۱-۱ شاخص های فلسفه ی سیاسی نئولیبرالیسم



۴. کرونا: از اپیدمی تا پاندمی

تهدیدات بیولوژیک، تأثیرات قابل توجهی بر تمدن های بشری در طی قرن های متمادی داشته است. ویروس کرونا نیز به مثابه ی یک "تهدید بیولوژیک" و در قالب یک "رخداد نابهنگام" بشر را با یکی از بزرگترین رویداد های تاریخ معاصر مواجه نموده است. این بیماری نخستین بار از شهر ووهان چین شیوع یافت و سپس به سایر مناطق جهان گسترش یافت و هم اکنون دارای همه گیری وسیعی می باشد، به نحوی که نزدیک به نیمی از مردم جهان در قرنطینه ی اجباری به سر می برند (جان پرور، ۱۳۹۹: ۲۹۷) ازینروى از یک اپیدمی محلی به یک پاندمی جهانی تغییر شکل یافته است.

ویروس کرونا به خانواده ی بزرگی از ویروس های اطلاق می شود که در میان برخی از حیوانات، از جمله شتر، گربه و خفاش، گردش می کند. این ویروس ها از نظر ترکیبات شیمیائی و مشخصات ژنتیکی، شباهت زیادی باهم دارند و به نوعی به یک "تاج" شباهت دارد، به همین دلیل به آن "ویروس کرونا" و یا همان "ویروس تاج دار" می گویند.

بیماری که به تعبیر بسیاری، از قضا آمده است تا تاج را از سر نظم روزمره‌ی موجود بردارد.

علی‌رغم گستردگی بحران کرونا، این اولین بار نیست که جهان با چالش یک بیماری همه‌گیر روبرو می‌شود. بررسی‌های تاریخی نشان می‌دهد که در گذشته نیز بیماری‌های نظیر طاعون، تیفوس، وبا، آنفولانزای اسپانیایی، آنفولانزای آسیایی و آنفولانزای خوکی، بسیاری از کشورهای جهان را درگیر کرده و سبب مرگ هزاران هزار انسان در پهنه‌ی این کره‌ی خاکی شده است. بحران عالم‌گیر کرونا، امروزه جهانی‌ترین چالش بشری است و پنج قاره زمین را مبتلا کرده است. کرونا را پدیده‌ای طبیعی بدانیم یا جهشی نادر در طبیعت، بلای آسمانی برای تنبیه بشریت یا شیطانی که جوامع مذهبی را تهدید می‌کند، در هر حال آمده است و تا روزگاری چند مهمان بشریت خواهد بود. عالم‌گیر شدن این ویروس به مهم‌ترین و اثرگذارترین مسئله‌ی جوامع بشری تبدیل شده است. تاثیرگذاری این ویروس بر تمامی مناسبات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی جوامع بشری اجتناب‌ناپذیر است (چیت‌ساز، ۱۳۹۹: ۱۵۲).

امروزه این ویروس کوچک، به مثابه‌ی یک "رخداد"، بر جهانی که به نظم روزمره موجود عادت نموده بود، شوکی گسترده وارد نمود. جهان در شوک پاندمی ویروسی فرو رفت که آمادگی مقابله با آن را نداشت. مدارس و دانشگاه‌ها تعطیل شد، بورس سقوط کرد، بیکاری افزایش یافت، بیماری‌های روانی فزونی یافت و به طور کلی مفهوم زندگی در پرتو این پاندمی در حال تغییر یافتن است.

۵. کرونا و نئولیبرالیسم

پس از فروپاشی شوروی و مسلط شدن دیدگاه‌های تاجر و ریگان که از اساس کوچک‌سازی دولت‌ها را به صورت افراطی دربرمی‌گرفت و با همکاری بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول که بازوهای اجرایی این ایده بودند، تقریباً به جز کشورهای حوزه اسکاندیناوی، جهان ذیل این تفکر شکل گرفت. همانطور که اشاره شد، از ویژگی‌های این تفکر، خصوصی‌سازی بسیاری از نهادهای دولتی و آزادسازی شتاب‌زده این نهادها و واگذاری به ابرثروتمندان برای کاهش هزینه‌های دولت‌ها و چابک‌تر شدن دولت‌ها بود. در آن مقطع، متفکران جهان با توجه به اتفاقاتی که در حال رخوردن بود نتوانستند پیش‌بینی کنند این تفکر به کدام سمت می‌رود.

شروع بیماری همه گیر کرونا و رسیدن این تفکر به حوزه بهداشت و درمان ، و تلفات ناشی از آن در بین طبقات کارگر و پائین جامعه به دلالتی که نشات گرفته از فلسفه نئولیبرالیسم بود نظیر تاکید این نوع نظام بر بخش بیمه ی خصوصی ، این نظام فلسفی را با چالش مواجه نموده است. بسیاری از تئوریسین های نئولیبرالیسم به خاطر این تلفات بالا که از جامعه کارگر و طبقات پایین در حال رقب خوردن است در یک دگردیسی با سرعت بالا معتقد شدند هرچند ایده نئولیبرال هنوز هم بهترین شیوه است اما در حوزه درمان و بهداشت باید به سمت دولتی شدن حرکت کرد، چون همان نیروهایی که ذیل طبقات کارگر موجب رشد چرخ دنده های نئولیبرالیسم می شوند از بین خواهند رفت و حال در این مقطع حداقل باید تجدیدنظر صورت گیرد که می توان به واکسیناسیون رایگان در مثلاً آمریکا و انگلیس و قرنطینه های سراسری طولانی مدت اشاره کرد.

اگرچه بسیاری از متفکران نئولیبرالیسم ، به ضعف نظام سیاسی و فلسفی نئولیبرال در حوزه ی بهداشت و درمان را پذیرفته اند و آنان مجبور به اعتراف در این مورد شده اند ، اما به باور بسیاری از اندیشمندان و متفکران ، این ضعف تنها به حوزه ی بهداشت و درمان که در برگیرنده ی دیدگاه های نئولیبرالیسم در زمینه ی خدمات عمومی است ، محدود نگشت، بلکه بسیاری از شاخص های این نظام را که اصولاً پایه و مبنای آن را تشکیل می دهد با چالش اساسی و ماهیتی مواجه نموده است و آن را در معرض نقد اندیشه سوز و اندیشه ساز قرار داده است.

۶. کرونا و نقد شاخص های اساسی فلسفه سیاسی نئولیبرال

کرونا به مثابه ی یک رخداد نابهنگام ، سیستم سیاسی و اقتصادی نظام سیاسی غرب را که عمدتاً مبتنی بر ارزش های فلسفی سیاسی نظام نئولیبرال می باشد را با پرسش جدی مواجه نمود. اینکه نظام سیاسی و فلسفی غرب در مواجهه با رخدادی که خود را در قالب ویروس کرونا نشان داد از چه نقاط ضعف و قوتی برخوردار بوده است تا از خلال آن بتوان به نقد آن پرداخت، بیش از همه نیازمند آن است که هریک از شاخص های نظام سیاسی مزبور را در چارچوب مواجهه با اپیدمی کرونا مورد بررسی قرار دهیم.

۱.۶ داروینیسیم اجتماعی

بر اساس نظریه‌ی داروینیسیم اجتماعی جوامع انسانی مانند ارگانیسیم‌های زیستی با یکدیگر منازعه می‌کنند (گیدنز، ۱۳۸۶: ۶۹۰) داروینیسیم اجتماعی که در نظریه‌ی نئولیبرالیسم تبلور می‌یابد، بر این اصل استوار می‌باشد که در مسیر تطور تمدن‌ها کسانی که قادر به تنظیم خود با شرایط موجود نیستند از گردونه‌ی حیات حذف و منقرض خواهند شد. بر این اساس رها کردن بیوه‌ها و یتیمان که در حال جدال با مرگ و زندگی هستند سرشار از منفعت می‌باشد. بنابراین داروینیسیم اجتماعی قائل به حذف طبیعی ضعیفان، فقرا و بیمارانی می‌باشد.

در جریان شیوع بحران کرونا بر مبنای همین مشی داروینستی که در نئولیبرالیسم تبلور شده است، بیمارانی، سالمندان و به طور کلی کسانی که برای دولت هزینه‌زا هستند، باید از گردونه‌ی حیات حذف گردند. اندیشکده‌ی آمریکائی "گیت استون" (Gate stone) در یادداشتی در همین خصوص راجع به وضعیت بغرنج سالمندان مبتلاء به کرونا می‌نویسد:

پزشکان در طی هفته‌ها مجبور بودند در خصوص اینکه چه کسانی باید خدمات اضطراری دریافت نمایند، دست به انتخاب بزنند. پروتکل‌های جدید که به پرسنل پزشکی از سوی دولت ارائه شده است، از پرسنل پزشکی عملاً می‌خواهد، بیمارانی سالمند را به حال خود رها نماید. (Kern, 2020)

لبّ کلام این دستورالعمل این است که از فرض بنیادی اخلاق اجتماعی مان، یعنی دلواپسی برای افراد مسن دست برداریم. این دستورالعمل همان داروینیسیم اجتماعی مدرنی است که در گذشته برپایه‌ی ایدئولوژی نژادپرستانه نازسیم و چگونگی قتل عام وحشیانه عقب ماندگان ذهنی و کشتار جمعی و بی رحمانه طبقات فرودست و غیر موگد جامعه توسط هیتلر دنبال می‌شد و همچنین یاد آور سیاست‌هایی است که فوکو آن را "مدیریت مرگ" (Death Management) می‌نماد^۳ و به تعبیر وی در قالب "حکومت‌مندی" (Govern mentality) نئولیبرالیسم تعبیه شده است.

اکنون و با شیوع کرونا در دنیا گویی اندیشه‌های اسپنسر و سایر داروینست‌ها از لابلای سطر کتاب‌هایشان بیرون آمده و جان تازه‌ای به خود گرفته است. مبتنی بر مشی داروینیسیم، بیمارانی سالمند کرونایی باید به حال خود رها شوند تا در آغوش مرگ جای گیرند بیمارانی

دارای سندروم داون حق پذیرش در برخی بیمارستان‌ها را ندارند تا اینکه دست طبیعت بیاید و مبتنی بر گزینش طبیعی جان آن‌ها را بستاند؛ سفیدپوستان از حق حیات سهم بیش‌تری نسبت به سیاه‌پوستان دارند و فقیران محکومند تا در صف اول ابتلاء به کرونا و مرگ ناشی از آن قرار گیرند. آن صف‌های طویل، قفسه‌های خالی و خرید سلاح نیز بیانگر جدال بر سر بقاست که از بطن سبک‌زندگی داروینستی برخاسته است. بنابراین آنچه که جهان کنونی را به محل ستیز انسان‌ها و تمدن‌ها تبدیل ساخته و در حال تسخیر سنگر به سنگر آرمان‌ها و اصول اخلاقی است چیزی جز داروینسم اجتماعی نمی باشد.

۲.۶ تبعیض نژادی

همزمان با شیوع همه گیر ویروس کووید-۱۹ در ایالات متحده آمریکا، آمریکاهای آفریقائی تبار، بیشترین آسیب را متحمل شدند. براساس آمار و ارقام منتشر شده از شمار مبتلایان و جان باختگان آمریکا، در برخی از ایالت‌ها که سیاهان در اکثریت نیستند، تعداد ابتلاء و مرگ و میر آنها، بیش از سایرین است. به عنوان نمونه در شیکاگو، جایی که ساکن آمریکائی - آفریقائی تبار، کمتر از یک سوم جمعیت را تشکیل می دهند، بیش از نیمی از کسانی که به این ویروس مبتلاء شده اند، سیاه پوست هستند و تلفات در آنجا بسیار نگران کننده است. ساکنان آفریقائی - آمریکائی، ۷۲ درصد از کسانی را که به ویروس کرونا مبتلاء شده اند را تشکیل می دهند. سیاه پوستان نسبت به بیماران سفید پوست خدمات پزشکی، بهداشتی و مراقبتی با کیفیت پائین تری دریافت می کنند. گمانه زنی‌ها حاکی از آن است که این عدم تناسب به دلیل عوامل مختلفی است. آمریکائی - آفریقائی تبارها به احتمال زیاد، در محلات فقیرنشین زندگی می کنند، در مشاغل خطرناک کار می کنند و زمینه های بهداشتی و دسترسی محدودتری به مراقبت های بهداشتی دارند. (Zapolski & Oruche: 2020)

براساس برنامه تحقیقاتی «تعقیب کرونا»، نرخ مرگ و میر سیاه پوستان بر اثر کرونا ۲/۴ برابر بیشتر از سفیدپوستان در آمریکاست. براساس نتایج این تحقیقات سرخ پوستان و لاتین تبارها نیز در آمریکا ۱/۵ برابر بیشتر از سفید پوستان بر اثر کرونا جان خود را از دست می دهند. این فقط سیاه پوستان نیستند که در معرض نابرابری و توزیع نامناسب خدمات بهداشتی و درمانی قرار دارند، بلکه دیگر اقلیت های نژادی و قومی از جمله لاتین تبارها

نیز در آمریکا با همین چالش‌ها و مشکلات روبرو هستند و از جمله در ایالت تگزاس، حدود ۵۵ درصد از آمار مرگ و میرها بر اثر کرونا متعلق به لاتین تبارها بوده است.

۳.۶ منفعت گرائی محض

چامسکی معتقد است، از مدتها پیش نئولیبرالیسم می دانست که یک بیماری فراگیر و کمی متفاوت با بیماری سارس (SARS-CoV) که گونه ای از کرونا ویروس است، از راه خواهد رسید و جهان را مبتلا خواهد کرد. سیاست نئولیبرالیسم می توانست برای پیشگیری از این بیماری دست به کار شود و واکسن آنرا تهیه کند. اما کمپانیهای خصوصی دارو سازی (Big Pharmacy) همراه با لابی های وابسته، برایشان ساختن انواع کرم پودرهای جدید سودآورتر از ساختن واکسن کرونا می باشد. ویروسی که جان مردم را به خطر انداخته است و هر روز پشته ای از کشته ها در سراسر جهان بجای می گذارد. توجه داشته باشید که تهدید فلج اطفال با واکسن سالک (SALK) پایان یافت واکسنی که توسط یک نهاد دولتی ساخته شده بود و بدون ثبت اختراع در دسترس همگان قرار گرفت. همین اقدام می توانست در مورد ویروس کرونا انجام گیرد اما طاعون نئولیبرالیسم مانع از آن شد. (Chomsky, 2020)

علاوه بر این نظام نئولیبرال و دولت های برآمده از آنان بیش از هر نظام دیگری براساس منطق بازار، نگران توقف یا اختلال در چرخه ی تولید می باشند و از بیم سقوط اقتصادی و قدرت رقابت تمام تلاش خود را برای بازگشائی و حرکت به سمت وضعیت عادی به کار گرفته است. حکومت داری به این شیوه سبب شده است که یک نوع تقابل بین حفظ حیات انسان و حفظ حیات اقتصادی در جوامعی که براساس فلسفه ی سیاسی نئولیبرالیسم اداره می شوند، شکل گیرد، به گونه ای که نحوه ی اداره ی کشور در این نوع نظام ها را با چالش اساسی مواجه نموده است.

۴.۶ فردگرائی

یکی از شاخص های مهم نئولیبرالیسم این است که مسئولیت پذیری فردی را تنها راه حل مشکلات اجتماعی می داند و بنابراین نیازی برای پرداختن به مسائل سیستمی گسترده تر، پاسخگو کردن نهادهای قدرت یا استقبال از مسئولیت پذیری همگانی و جمعی نیست. به عنوان یک سیاست مهار، نئولیبرالیسم مشکلات اجتماعی را خصوصی و شخصی سازی

می کند، یعنی دست های خود را به عنوان روشی برای مهار این بیماری همه گیر بشوئید. (Rodriguez, 2020)

بسیاری از هنجارهای اخلاقی در شرایط ثبات و آرامش جامعه، ظاهراً کارکرد خوبی دارند و در نتیجه از مبانی آنها در فلسفه ی اخلاق، دفاع می شود، اما در شرایطی که زندگی افراد در یک جامعه در معرض خطر باشد، در هر حال این کارکرد رنگ می بازد. به عنوان نمونه کسانی که اخلاقشان بر مبنای سودگرایی و نفع شخصی باشد، از تمامی شعارهای انسانی-اخلاقی دست بر می دارند. در اخلاق همدلی و کمک به هم نوع، به جای نزاع های خودخواهانه برای کسب بیشترین منفعت جلوه می کند. وقتی در نظام های نئولیبرال، فقدان سازوکارهای دولتی و سازمانی برای حل مشکلات گرسنگی و کمبود وسائل بهداشتی در کار است و همدلی انسانی تعریف مجزاء از سود جامعه نداشته باشد، در بحرانی به مانند کرونا، این هنجارهای پنهان برملاء می شود. (آیت الهی، ۱۳۹۹) در چنین شرایطی است که دزدی اقلام بهداشتی یک کشور از سوی کشور دیگر، هیچ قبیحی پیدا نمی کند. کشورهایی که مدعی رفاه طلبی برای همه ی انسان ها و ترویج دموکراسی و زندگی بهتر در قالب فلسفه ی نئولیبرالیسم برای همه ی جهانیان بودند، امروز به دزدان مدرنی بدل شده اند که محموله های بهداشتی کشورهای دوست خود را می ربایند، به طوری که "آندرس گیزل" (Andres Geisel) یکی از مقامات آلمانی، دولت آمریکا را به دلیل ممانعت از صادرات ماسک های تنفسی به رغم همه گیری ویروس کرونا در جهان، به استفاده از تاکتیک غرب وحشی متهم می کند. (اخوان، ۱۳۹۹: ۱۰۸)

در هنگام مواجهه با یک فاجعه و بحران، مردم متوجه این موضوع می شوند که چگونه وقتی به مثابه یک «جامعه» ظاهر می شوند، قدرتمندتر از «افراد» هستند؛ اما نئولیبرالیسم چون مبتنی بر ارزش ها و هنجارهایی مانند فردیت و خودخواهی و بدون توجه به انگیزه های اجتماعی انسانی پدید آمده، در دوره ظهور کرونا به شدت ضد جنبه های عاطفی و انسانی نقش آفرینی کرده است. مناقشه های مردم در فروشگاه ها، به سرقت بردن لوازم بهداشتی، رها کردن اجساد در خیابانها، بی اعتنایی به بیماران سالخورده و ده ها اتفاق از این دست نشان داد نئولیبرالیسم نسبتی با تنظیم روابط اخلاقی و عاطفی انسانها در شرایط بحران و مخاطره ندارد. جدا از اینکه در دوران پسا کرونا چه اتفاقی در ارزشها و مفاهیم فکری رخ خواهد داد، اکنون ابعاد ماجرا روشن است؛ یعنی کاستی ها و نقصان های بنیادهای فکری و معرفتی نئولیبرالیسم آشکار شده و در وضعیت ناشی از فراگیری کرونا، فردگرایی نهفته در

درون نئولیبرالیسم سبب شد تا اخلاق، حقوق بشر و همبستگی میان ملت ها در جوامعی که با نظام نئولیبرال اداره می شوند جای خود را به مسئولیت هر فرد در نجات خود و نه نجات جامعه قرار دهد.

۵.۶ ضعف خدمات عمومی

نظام سیاسی - فلسفی نئولیبرال، از ضعف گسترده ای در حوزه ی خدمات عمومی رایگان از جمله ، "خدمات درمانی" برخوردار می باشد. در این نظام ، "مراقبت های بهداشتی دولتی" وجود ندارد و به طور کلی آنان از نظام های مراقبت بهداشتی حمایت می کنند که بیمه ی خدمات درمانی شان خصوصی است و داوطلبانه خریداری می شوند. در چنین نظام هائی ، سرمایه گذاران از حق مالکیت در مراقبت های بهداشتی بیمه شده برخوردار هستند ، پزشکان آزادانه فعالیت می کنند و جامعه به لحاظ اخلاقی مکلف به ارائه خدمات درمانی به همه ی افراد نیست. در این نظام فلسفی، تفسیر آزادی خواهانه از عدالت ، مبتنی بر پرداختن به نیازهای بهداشتی شهروندان با منافع عمومی نیست، بلکه بر انجام فعالیت های منصفانه و نامحدود استوار است. (Beauchamp, 2013) در رویارویی با بیماری همه گیر جهانی به مانند کرونا در سال ۲۰۲۰ ، خطر یزرگی که وجود داشت ، نوع نگاه نظام نئولیبرالی به بیمه های خدمات درمانی بود که قائل به حمایت دولت در زمینه های دولتی نبود و تنها از بیمه های خصوصی حمایت می نمود. امری که به گسترش مرگ و میر ناشی از اپیدمی کرونا در بین اقشار ضعیف و بی خانمانی که از توان مالی برای بهره مند شدن از بیمه های خصوصی برخوردار نبودند و یا توان مالی لازم برای انتخاب آزادانه خدمات درمانی برخوردار نبودند، انجامید.

اگر فرایند جهانی شدن ارزش های نئولیبرال ، سرنوشت بهداشت و درمان عمومی را به بخش خصوصی واگذار نمی نمود ، مقابله با گسترش سریع بیماری و افزایش تلفات آن کاملاً امکان پذیر بود و در صورت رعایت اصول زیست محیطی ، به احتمال زیاد این اپیدمی بروز پیدا نمی کرد. (کشتگر، ۱۳۹۹: ۴۷) همین موضوع سبب شده است که بحران کرونا مشخصاً کارکرد نظام نئولیبرالیسم را در موضوع "سلامت" به زیر پرسش برده و در درون آشوبی برپا نماید.

۶.۶ خصوصی سازی

از دهه ۱۹۸۰، کشورهای غربی عمدتاً تحت الگوی سیاسی نئولیبرالیسم اداره می شوند که سیاست اجتماعی دولت محور را با خصوصی سازی و مقررات زدایی در بازار، جایگزین کرده است. تحت تاثیر همین نگاه نئولیبرالیستی، در ابتدای شروع اپیدمی کرونا، دولت ها "ایمنی گله ای" را در دستور کار خود قرار دادند تا نظم خودجوش جامعه را از خطر آن مصون نماید و به اقتصاد آسیب کمتری وارد آید.

ایمنی گله ای (Herd Immunity) [ایمنی جمعی] بر این پایه استوار است که در تاریخ جوامع بشری و اجتماعات حیوانی، مرگ و زندگی بر مبنای انتخاب طبیعی است و بیماری ها می آیند و می روند. بنابراین با نبود شدن بخشی از انسان ها و گله حیوانات بر اثر بیماری منتشر شده، دیگران ایمن می شوند. (خلیلی، ۱۳۹۹: ۱۵۹) ایمنی جمعی بیشتر همانند اعتقاد بی قید و شرط به بازار آزاد بر این فرض تکیه دارد که با عدم کنترل و جدی نگرفتن بیماری همه گیر به بهترین شکل می شود بر آن غلبه کرد. اما این نگاه نئولیبرالیستی منجر به خشونت علیه افراد ضعیف و فقیر، افراد سالخورده و معلول، بی خانمان ها، پناهندگان و افرادی که در شرایط بیماری وخیم هستند، شد، به گونه ای که این افراد بیشتر از همه در معرض خطر مرگ ناشی از کووید-۱۹ (COVID-19) قرار گرفتند.

۷.۶ عدم مداخله ی دولت

باشیوع کرونا کنشگری دولت ها در عرصه ی داخلی و خارجی متحول شده است. تا قبل از بروز این رخداد، چنین تصویری می شد که با توجه به جهانی شدن، دیگر می توان دولت ها را محدود به دولت های حاکم کرد که بر مرزهای مشخصی مسلط باشند، بلکه آنها لایه لایه، غیر متمرکز و بین المللی هستند. (Hameiri & Jones, 2016: 78) اما شیوع بیماری کرونا این طرز تلقی را با چالش اساسی مواجه نمود. به گونه ای که امروزه دولت ها در مبارزه با این بیماری، بی رقیب می باشند، با این مضمون که تمامی چشم و نگاه بشر به نقش آفرینی دولت ها در مبارزه با این بیماری دوخته شده است.

تا پیش از شیوع بیماری کرونا، نئولیبرالیست ها با این ادعا که دولت مانع رشد خلاقیت نیروهای بازار می شود، سیاست دولت رفاه در غرب رازیرسوال برده و معتقدند که برای گسترش بازار آزاد اختیارات دولت باید تا حد ممکن محدود گردد. (رومی، ۱۳۹۹: ۷۵) اما

نقش آفرینی دولت‌ها در مواجهه با بیماری کرونا، نظم نئولیبرالی که عمدتاً بر عدم مداخله دولت در عرصه‌های گوناگون سیاسی و اقتصادی تأکید می‌نمود را با یک بحران "رخدادگونه" مواجه نمود. تا پیش از وقوع این رخداد، عمدتاً بر عدم مداخله یا مداخله‌ی حداقلی دولت تأکید می‌شد و روز به روز نیز بر تبلیغ این وضعیت افزوده می‌شد، شیوع کرونا، این الگو را به چالش کشید و توجه بسیاری را به بازاندیشی در نقش دولت‌ها فراخواند.

۷. کرونا: ناکارآمدی نظام سیاسی نئولیبرال و شکل‌گیری یک نظم جدید

بانگاهی به سوابق تاریخی بیماری‌های فراگیر و پیامدهای آن‌درسیاست بین‌الملل، شاید یکی از برجسته‌ترین موارد مشابه با وضعیت فعلی، شیوع آنفلوآنزای اسپانیایی در پایان جنگ جهانی اول باشد. این بیماری و ابعاد آن به ویژه در مناطق فقیرتر فاجعه‌آمیز بود. (Ojo, 2020) و پیامدهای بسیاری در پی داشت. هرچند بسیاری معتقدند که تغییرات پایدار جهانی پس از جنگ جهانی اول به واسطه‌ی جنگ بوده و نه این بیماری، اما پیامدهای سیاسی شیوع کووید-۱۹ اساساً قابل مقایسه با پیامدهای آنفلوآنزای اسپانیایی در پایان دهه‌ی ۱۹۲۰ نبوده و احتمالاً نخواهد بود.

در نگاه نخست به نظر می‌رسید که ابتلای میلیون‌ها نفر در سراسر جهان به ویروس کرونا، تأثیر چندانی بر نظم سیاسی حاکم بر جهان که عمدتاً بر مبنای ارزش‌های نئولیبرال می‌باشد ندارد، اما وقتی این نظام‌ها با بحران کارآمدی چه به لحاظ اخلاقی و چه به لحاظ سیاسی و فلسفی مواجه شدند، بسیاری به مانند کیسینجر، هاروی، آگامبن، چامسکی و ... به میان آمدند و از تغییر نظم جهانی در دنیای پس از کرونا سخن گفته‌اند.

نگاهی به تأثیراتی که بحران کرونا بر شاخص‌های نظام سیاسی نئولیبرال داشته است، نشان می‌دهد که این اپیدمی به مثابه‌ی یک رخداد، نظم موجود را با چالش‌های گوناگونی مواجه نموده است، به نحوی که حوزه‌ای از آن از معرض تأثیرات این ویروس دور نمانده است. این ویروس، نئولیبرالیسم را به عنوان مکتب فکری مسلط چنددهه‌ی اخیر به چالش کشیده است. انسان‌فردگرای مغروری که با ابتنا بر او مانسیم، خود را مرکز جهان می‌انگاشت، اینک در مقابل موجودی بسیار کوچک کرنش کرده است. کرونا نشان داد که جهانی سازی و گردش آزاد انسان، کالا و کنترل‌های ضعیف مرزی امکان گسترش سریع تهدیدات را فراهم می‌سازد (حقیقت، ۱۳۹۹)

در پایان دهه ی دوم هزاره سوم، همه گیری ویروس کرونا نه مرگ سرمایه داری بلکه می تواند میخی فرو رفته بر تابوت جهانی شدن باشد. ملت ها در برابر ایده دولت حداقلی نئولیبرال ها که قادر به پاسخگویی به نیازهای ملی و بین المللی نیست، مقاومت خواهند کرد. بسیاری از کشورها به ناچار به سمت برنامه های رفاه همگانی و گزینشی به نفع فرودستان خواهند رفت. گذر زمان روشن خواهد ساخت چگونه نظامی از دل بحران کرونا نمایان خواهد شد. شاید سیاست هایی از سنخ دولت رفاه پاسخی به نیازهای امروز مردم جهان باشد. (رومی، ۱۳۹۹: ۸۵)

نابرابری و شکاف طبقاتی، کاهش مسئولیت های دولت در رفاه عمومی و قطع هزینه های عمومی برای خدمات اجتماعی مانند آموزش و مراقبت های بهداشتی، تخریب محیط زیست، خودخواهی و منفعت طلبی به جای ارزش های اخلاقی، هرج و مرج ناشی از کاهش قدرت و نظارت دولت، رهاورد نظام نئولیبرالی حاکم بر جهان است که زمینه سلطه بلامنازع ثروتمندان را فراهم و برای اکثریت وسیع مردم جهان رنجی بی پایان را به دنبال داشته است. بحران جهانی اخیر نشان داد که در حوزه هایی مثل درمان و سلامت، بشر نمی تواند به نظام آزاد کاپیتالیستی متکی باشد. به همان اندازه که کرونا ویروس فردگرایی لیبرالیستی را به چالش کشیده، در سطح ملی می تواند به قدرت گیری ناسیونالیسم، کم رنگ تر شدن جهانی شدن و تضعیف بازار آزاد منجر می شود. (حقیقت، ۱۳۹۹)

نئولیبرالیسم که در گسترش شتابان و تهاجمی خود که با سقوط دیوار برلین به مدافعان و نظریه پردازان جهانی شدن، روحیه ی حق به جانب بخشید، بشریت را در برابر هجوم بیماری های واگیردار خلع سلاح کرد و زمینه ساز آن شد که پیش از آنکه بتوان راهی برای نجات بیماران پیدا کرد، صدها هزار نفر به کام مرگ کشانده شوند. بحران کرونا، سست بودن نظام جهانی سازی و تک قطبی نئولیبرالیسم و موسسات وابسته به آن را به ویژه در زمینه ی بهداشت، درمان و خدمات را بیش از گذشته برملاء کرد و بد اخلاقی، وحشی گری، نژادپرستی، بد ذاتی، کینه جوئی تاریخی کارگزاران آن را نسبت به هموعانش آشکار ساخت و پوشالی بودن ساختارها، تشکیلات و نهاد های رسمی و پرطمطراق آن را عیان کرد و نقاب از چهره ی دروغین آن درید. برخوردهای غیر انسانی، منفعت جویانه و چپاول گرایانه کارگزاران این نوع نظام فکری، وحشی گری و افسارگسیختگی این نظام فکری در مواجهه با پاندومی کرونا، به مثابه ی شتاب دهنده ای برای عیان شدن چالش های اساسی این نظام فکری و سیاسی عمل نمود. نئولیبرالیسمی که سقوط اخلاقی خود را

در پس نقاب کارآمدی و تخصص گرایی پنهان ساخته بود و به مدد نمودارها و شاخص ها ، خود را به تعبیر فوکویاما ، آخرین مرحله از تکامل ایدئولوژیک بشر برای بهروزی و آسایش انسان و جامعه قلمداد می نمود، امروز با انبوه اجساد قربانیانی روبرو است که هر روزه بر شمار آن افزوده می شود. اینجاست که به نظر می رسد جهان در دوران پسا کرونا ، در مورد چستی نظام نئولیبرال و ماهیت آن نیاز به یک نوع بازنگری و جایگزینی بیاندیشد.

۸. نتیجه گیری

هر رخدادی می تواند ، دریچه ای را به سمت و سوی یک "امرنو" بگشاید. همانطور که در سپیده دم بیماری هائی چون طائون ، زلزله ، سیل ، نگاه ها را نسبت به دنیای جدید و قدیم تغییر داد ، تصویر آخرالزمانی نهفته در این پاندومی می تواند خبر از نزدیکی پایان یک نظم و شکل گیری نظم جدید باشد. بحث برسر این نیست که بر اثر این رخداد ، نظام نئولیبرال با چالش اساسی روبرو شده است و باید پایکوبان ، سرایشی این نظام سیاسی - فلسفی را جشن بگیریم ، بلکه نکته در این است که این رخداد توانست بسیاری از شاخص های نظم موجود را نه از سر دستاوردهای علمی بلکه بر مبنای یک اجبار نهفته در یک فاجعه ی بشری با تردید مواجه نموده و آنها را به بازنگری و بازاندیشی بکشاند.

هرچه هست این است که این ویروس در وهله ی نخست یک ویروس است و ما آن را از دریچه ی نظام معنائی خود بازنمائی می نمائیم . در بازنمائی که از تاثیر این پاندومی ارائه شد ، این ویروس ، ضربه ای سخت و غیرمنتظره ای بر پیکره ی نظم نئولیبرالیستی وارد نمود، رخدادی نابهنگام که آمدنش غیرمنتظره و تاثیرگذاری آن به مثابه ی لرزه ای بر نظام سیاسی فلسفی نئولیبرالی بود. وضعیت برآمده از کرونا نشان می دهد که نظم موجود تنها با یک تهدید ویروسی مواجه نیست ، رخدادهای دیگری نیز در راهند و گسست های دیگری نیز نظم موجود را با چالش مواجه می نماید.

پاندمی کووید -۱۹، تنها یک رخداد بزرگ ملی و جهانی از نگاه مسائل انسانی، بهداشتی، ارتباطی، اقتصادی و غیره نبوده، بلکه جهان فلسفی - سیاسی را نیز تکان داده است و اندیشه ورزان این پهنه را سخت به تکاپو برای پاسخگویی به پروبلما تیک های جدید و بغرنج، واداشته است. شیوع کرونا بی شک رخدادی بزرگ با ابعاد بهداشتی، درمانی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و امنیتی است که عرصه جهانی و نظم موجود را نیز تحت تاثیر قرار خواهد داد. پاندومی ویروس کرونا باعث شده تا بسیاری از شاخص های نظام سیاسی -

فلسفی نئولیبرال عملاً ناکارآمدی خود را نشان دهند. در بین اثر گذاری که این اپیدمی با خود به همراه داشته است، موضوع آشکار شدن ماهیت دهشناک نظام سیاسی غرب که بر مبنای ارزش های نئولیبرالیسم نظیر فردگرایی، داروینیسیم اجتماعی، تبعیض نژادی، نابرابری، بی عدالتی پی ریزی شده است، به فروپاشی اتویپای این نظام آرمانی و فرهنگ غربی انجامید و زوایای ضعف و عقب ماندگی آن را نمایان ساخت و به بحث های گسترده در محافل و مراکز علمی من باب ناکارآمدی نظام فلسفی نئولیبرالیسم دامن زد.

پاندومی کرونا، می تواند یک درس و یا یک تلنگر برای طرفداران نظریه ی نئولیبرالیسم در ایران و علی الخصوص دولتمردانی که شیفته و دلباخته ی این نظریه در کشورما هستند نیز باشد. در شرایطی که نئولیبرال ترین کشورها برای حفظ جان شهروندان خود به برخی از ضعف های این نوع نظام سیاسی اعتراف نمودند و کوشیدند دولتی ترین طرح های ممکن در زمینه ی خدمات عمومی من جمله بیمه ی همگانی و واکسن رایگان را پیاده نمایند، طرح برخی از ایده ها از سوی کسانی که به نئولیبرالیسم اقتصادی در ایران باور دارند، نظیر طرح واکسن پولی بسیار عجیب می باشد. ازینروی حال که حال که همه گیری کرونا در حال شکستن تفکر نئولیبرالی است بازگشت به این تفکرخشن در زمینه ی بهداشت و درمان در جامعه ی ایرانی از بزرگترین اشتباهها در این مقطع خواهد بود.

پی نوشتها

۱. این وجه پارادوکسیکال به خوبی در بخش از آیه ۲۱۶ سوره ی بقره بیان شده است. عَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ. چه بسا اتفاقی برای شما ناخوشایند باشد اما در نهایت برای شما خوب خواهد بود.

۲. حذف ضعیف ها توسط قوی ترها

۳. با پیدایش کلینیک و بیمارستان و شکل گیری و تکوین گفتمان پزشکی، مرگ نیز مانند دیگر عوامل تهدیدکننده حیات انسان از قبیل بیماری و جنون، تبدیل به ابژه نهادهای مراقبتی شد و به همین دلیل، بستر طبیعی خود یعنی وقوع آن در خانه و در کنار خانواده را از دست داد و وارد محیط شدیداً نظارتی بیمارستان و کلینیک شد. وضعیتی که فوکو آن را با عنوان «دیده بانای مراقبتی» یا «نگاه بیمارستانی شده» توصیف می کند. بدین ترتیب، مرگ که در گذشته، فارغ از مباحثات اعتقادی و مناسکی مربوط به چیستی آن، پدیده ای صرفاً زیستی به معنای پایان حیات ارگانیسیم بود، تبدیل به پدیده ای سیاسی-اجتماعی و در نتیجه مساله ای نیازمند «مدیریت» می شود.

کتابنامه

- اخوان، بهاره و حمیدرضا نعمتی (۱۳۹۹)، "حقوق شهروندی و تقابل دو محور گفتمانی اسلام و غرب در بحران کرونا"، پژوهشنامه حقوق بشری، سال ششم، پائیز ۱۳۹۹، شماره ۲؛
- آیت اللهی، حمیدرضا (۱۳۹۹)، "چالش های فلسفی درباره ی بحران کرونا"، تهران: انتشارات پژوهشگاه فضای مجازی و انتشارات دانشگاه امام صادق؛
- جان پرور، محسن و ریحانه صالح آبادی (۱۳۹۹)، "تاثیرات ژئوپولوتیکی شیوع کرونا"، فصل نامه ی پژوهش های راهبردی سیاست، دوره ی نهم، شماره ی ۳۳؛
- چیت ساز، محمدجواد (۱۳۹۹)، "کرونا و دین داری: چالش ها و تحلیل ها"، فصلنامه ی علمی - تخصصی ارزیابی تاثیرات اجتماعی، شماره ی دوم، ویژه نامه ی پیامدهای شیوع ویروس کرونا، کووید-۱۹.
- حقیقت، سید صادق (۱۳۹۹)، "کرونا و سیاست: دنیا از جهانی شدن آمریکائی عبور می کند"، پژوهشگرده ی اندیشه ی دینی معاصر، قابل دسترسی در: <http://andishedini.com/showdata.aspx?dataid=26824&siteid=1>
- خلیلی، محسن (۱۳۹۹)، "برساختن گمیشافت مجازی در روزگار کرونا"، فصلنامه ی پژوهش های راهبردی سیاست، دوره ی نهم، شماره ی ۳۳؛
- رومی، فرشاد و احسان کاظمی (۱۳۹۹)، "کرونا ویروس، متغییری نوین در تحلیل کلان تحولات سیاسی و بین المللی"، فصلنامه ی پژوهش های راهبردی سیاست، دوره ی نهم، شماره ی ۳۳؛
- کشتگر، علی (۱۳۹۹)، "آیا بشر به این فاجعه نیاز داشت؟"، ماهنامه میهن، شماره ی ۳۳
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۶)، "جامعه شناسی"، ترجمه ی منوچهر صبوری، تهران: نشر نی؛
- محمدی، حمدالله و فاطمه زیباکلام (۱۳۹۳)، "نقد سیاست های نئولیبرالیسم برای ایجاد هویت های نوین در دانشگاه ها"، فصلنامه مطالعات ملی، سال پانزدهم، شماره ی ۱؛

Beauchamp, T, Children J.(2013), "Principle of Biomedical Ethics", USA: Oxford University Press

Chomsky, Noam, (2020), "Neoliberal Plague" published in:

https://www.democracynow.org/2020/7/30/noam_chomsky_coronavirus_trump_response

Giroux, Henry (2008), The Politics of Educational Theory, Social Text, No. 5, PP 87-107

Giroux, Henry & Giroux Susan (2004), The Back Higher Education McMillan Palgrave

Hall, Stuart (2012); the Neo-Liberal Revolution, In: Rutherford, Jonathon & Davison, Sally (Ed); the Neoliberal Crisis, Sounding Press.

Hameiri, S., & Jones, L, (2016), "Rising Powers and State Transformation: The Case of China", European Journal of International Relations, Vol. 22, No. 1.

Harvey, David (2005); a Brief History of Neo- Liberalism, Oxford University Press

Hooks, Bell (2000); where we stand: Class Matters, New York, Routledge

Kern , Soren, (2020), “ Coronavirus , Elderly European Denied Treatment” , Gate stone Institute , Published in: <https://www.gatestoneinstitute.org/15870/coronavirus-elderly-abandoned?anid=4>

Ojo, O. B, (2020), “Socio-Economic Impacts of 1918–19 Influenza Epidemic in Punjab”, Journal of Asian and African Studies, <https://doi.org/10.1177/0021909619900906>.

Rodriguez , Jared , (2020),”The Covid – 19 , Pandemic Is Exposing The Plague of Neoliberalism “, the Site Truth out , Published : <https://truthout.org/articles/the-covid-19-pandemic-is-exposing-the-plague-of-neoliberalism/>

Zapolski, Live Tamika & Ukamaka, M. Oruche(2020), “Racism in The U.S Health Care System is costing Black” , Published in : <https://www.yesmagazine.org/health-happiness/2020/07/09/health-care-racism/>